

تئاتر در آلمان



مقاله‌ای که در زیر بنظر خوانندگان عزیز میرسد از متن انگلیسی که توسط دو تن از اشخاص مطلع بامور تئاتری بطور مصاحبه بوده است ترجمه شده و سعی گردیده تا آنجا که مقدور بوده از آن مقاله‌ای مفید تنظیم گردد.

«مترجم»

مؤلفی که صحبت از تئاتر در ممالک مختلفه میشود ما پاولین نکته‌ای که برخورد میکنیم مسئله آمار است و من فکر میکنم چنانچه این کار از طرف ما نیز صورت گیرد، ولی نیاز نیستود از بعضی مسائل مربوط بآمار خودداری کرد برای مثال باید کمکهای مالی را که در آلمان غری بناترها میشود ذکر نمود ...

سالیانه بجمع عمومی تئاتر ها در حدود ۶۰ میلیون دلار کمک میشود که جمع این پول را باید مالیات دهندگان تامین نمایند زیر از وجوه عمومی که سالیانه از هر فرد آلمانی اخذ می‌گردد مبلغ فوق‌الذکر بحساب تئاترها از طرف دولت ریخته میشود. این سیستم کمک مالی فقط فقط مختص مملکت آلمان است و البته چنین سیستمی بنظر خوانندگان عزیز کاملاً غیر طبیعی بنظر میرسد، خصوصاً تا آنجا که من میدانم در کشور های دیگر تئاترها خود باید معارج تئاتر دانمین نیاید ولی در آلمان کمتر تئاتری پیدا میشود که نوعی کمک از دولت یا شهرداری (هرچند که ناچیز باشد) دریافت نکند. بدین ترتیب من تصور میکنم تعداد زیادی از مردم مالیات دهند موافق نیستند که پول آنها برای کمک به تئاتر ها مصرف

گوستاو گوردن، هنریشه مشهور آلمان در نقش «هاملت»

ساختن و بسیاری شاهکاری بوده است بخصوص سالن تئاتر های مدرن و تا بنا مگر تئاتر های مدرن ساخته شده بعدی بوده است برای ساختن زمین های ورزشی و مدارس! جواب این سؤال بسیار ساده است زیرا هرگز ساختن چنین اماکنی تسوفی در ساختن میدانهای فوق‌الذکر و مدارس توانسته است بپذیرد.

تا آنجا باید این نکته را در نظر داشت چنانچه این کمک مالی بناترها نیست بلکه هنر تئاتر در آلمان رو با شبحلال میرفت زیرا هیچ تئاتری در این کشور نمیتوانست صدمات ناشی از جنگ را تحمل کند و بتواند دوباره کمر راست نموده و بکارهای هنری خود ادامه دهد. و از طرف دیگر همین اشخاص عاری مالیات دهندند هستند که چنانچه تئاتر بسیار جالی در شهر و مسکن آنها ایجاد گردد بدان نفع میکنند.

حال که موضوع نامین معارج تئاتر ها مورد بررسی قرار گرفته بی جایست اگر اشارهای بانواع مختلف تئاتر ها در آلمان امروزه بشود.

این مسئله کاربردی بسیار ساده‌ای است و

شود و شاید هم فکر نکنه چنین کاری بناترها در در بعضی پول آنهاست از نظر طرز فکر قاطبه مردم چنین جسی چندان جمعیم بنظر نیوسه زسرا پار ها شده است که در آلمانهای مختلفه بناترها را بر تئاتر ترجیح داده‌اند و عهدهای هم گفته‌اند که چرا باید برای حمایت از یکمده بیکاره که در تئاترها ما پیش می‌بینیم پول بجمعیم و پولی بظاهر هم ناجدی آنها حق داشته‌اند هم اکنون با وجود اینکه تعداد تئاترها بسیار است و مالیات دهندند بازنمادها شعاعی های قبل چنه برابر شده باز تعدادا شعاعی که از این تئاتر ها استفاده مینمایند نسبت بکل جمعیت کشور آلمان رقم بسیار ناچیزی میباشد. از طرفی بسا بد مسئله دیگری را در نظر گرفت و آن چنین است:

اولاً تاکنون ششمه نشده است که اشخاص برای اینکه نسبت کمی از درآمد روزانه خود را برای کمک به تئاتر ها بجهت تصاحب نمایند در ضمن این حقیقت را باید در نظر گرفت که تئاتر های جدیدی در اغلب شهر های آلمان غری ساخته شده که بعضی از آنها از لحاظ

برای درك بهتر این مطلب باید اشاره‌ای بوضع تئاترهای قبل از جنگ جهانی دوم نیز بشود ...

در سال ۱۹۳۳ در آلمان تعداد ۲۵۶ تئاتر وجود داشت و بعدها در سال ۱۹۴۴ یعنی در حین جنگ، این رقم به ۳۳۱ افزایش یافت. ولی در پایان این سال بود که بالاخره جنگ خرابه‌های جبران ناپذیر بر بستر تئاتر در آلمان وارد آورد و تمام آنها را از بین برد.

امروزه مجموع تئاترهایی که در آلمان وجود دارد ۱۷۵ تئاتر میباشد که از آن‌ها ۹۵ تئاتر متعلق به شهرداری و دولت است و از این روست که آن‌ها امکان «تئاتر شهر»، «تئاتر شهرستان» و «تئاتر دولتی» نامیده میشوند. بقیه از این ۹۵ تئاتر بقیه آنها متعلق به مالکین خصوصی و صاحبان سرمایه است.

در اینجا باید اقرار کنم نکته‌ایست که هنوز نتوانستیم آن را درك کنیم و آن این است که چه قدرتی را اداره کننده گان یکی از این تئاتر ها متلامقامات شهری دارا میباشد؛ برای مثال باید ذکر کرد که آبارولت میتواند در مورد نمایشنامه تئاتر و پس از مورد تعداد هنر-پیشگان شاغل خدمت و یا تعیین مقدار حقوق آنها و یا میزان مبلغی که برای روی صحنه آوردن نمایشنامه‌ای لازمست اظهار نظر کند؛ من فکر میکنم که تئاترها بیکه با آنها کمک مالی میشود اصولاً دارای آن آزادی عملی که برای پیشرفت هنر مورد لزوم است نیست. در این مورد فکر میکنم چندان دچار اشتباه نشده‌ام و دلیل آن متکی بر این است که در این نوع تئاتر «مدیران تئاتر» فقط در تعیین هنریشه و مبلغ بودجه و ورودی و از این قبیل کارها تنها تصمیم بگیرند ولی در مورد نمایشنامه مقامات مربوطه تصمیم گرفته و آنرا انتخاب و به مدیر تئاتر تسلیم نموده و هیئت هنرپیشگان آنرا اجرا میکنند و در عوض چنین نارسائی‌های جزئی به تئاتر کمک نموتر میشود و شهر امنیت و آزادی عمل پیدا میکند. لازم بنده گراست که مبارزات هنری چنین تئاتری [از روی میزان فروش بلیط تعیین نمیشود بلکه از روی کیفیت هنری نمایشات و مهارت هنرپیشگان تعیین میگردد.

بنابراین در این مورد در مقابل تمام آن‌ها با ما میسر هم وجود دارد. رهبر یک تئاترها هنر که دارای هنر خلاصه میباشد یا به بیانات ماهری نیز باشد تا کار خود را بهتر انجام دهد. البته در مورد تئاترهای خصوصی و ضمیمه دارای شکل خاص مربوط به خود میباشد و اختلافی که با تئاترهای دولتی دارد این

است که اولاً کمک مالی خود را از منابع مختلفی میگیرد و معقلاً عملی نیست که تک تک آن منابع در وضعیت تئاتر دخالت نمایند. بدین جهت این تئاترها آزادی بیشتری در کارشان میباشند و شتوالی که ممکن است در این مورد پیش یابند این است که تئاترهای خصوصی چند نوع میباشد؛

این نوع تئاترها دارای انواع و اقسام مختلفی هستند که در زیر نمونه‌ای چند از آن‌ها معرفی میشود.

۱ - تئاترهای تیکه دارای مکان بخصوص بسته به تئاترهای بسیار. این نوع از تئاترها معمولاً هنرپیشگانی چند در اختیار دارند و برای اولین نمایشات در شهرهای مختلف بگردش میبرند و از آن مکان‌های نمایشی آنها شهرهای کوچک است که دارای تئاتر ثابت نمیشوند.

۲ - تروپهای نمایش دیگری هم پیدا میشوند که کارشان فقط نمایش دادن

برای زندانیان و اماکنی است که اشخاص من در آن زندگی میکنند و چنانچه از ظاهر امر پیداست این تروپها نمایشی میدهند که برای اشخاص فوق‌الذکر مفید میباشد.

۳ - آخرین این نوع تئاترها موسوم به تئاتر روستائی و با تئاتر در هوای آزاد و تئاتر محلی یا لهجه‌های مختلف میباشد.

ولی مطمئناً جالب توجه ترین این قسم تئاترهای خصوصی آنها می هستند که بنام «تئاترهای در اطاق» نامیده میشوند و خیال میکنم اگر چند کله‌ای را جمع باین نوع تئاترها صحبت شود چندان بی مناسبت نباشد. در اولین وهله‌ای که شما از پله‌های راهرو زیر زمینی وارد این نوع تئاترها میشوید به چوچه‌ای بنام «تئاتر» در آنجا خواهید دید. ظرفیت این تئاترها از ۱۲۰ نفر تجاوز نمیکند و صحنه نمایش آن کوچکترین



روانشناسی و مطالعات فرهنگی
رتال جلد علوم انسانی

ماریا جوردین در نقش لورا در نمایشنامه «عائلة عروسك»



طراحی يك صحنه از نمایشنامه «خانه عروسك» اثر ايسين

از عصر این قسم تئاتر ها میگردد ثابت شده است که برای این تئاترها تاشاچی و علاقه با اندازه کافی وجود دارد. و برای اثبات این مدعا باید از استقبالی که از تئاتر فوق الذکر یعنی «کنتراکریس» در شهرین و تئاتر «هلوت گلین» در هامبورگ میشود گفتگو نمود، زیرا این دو تاشاخانه هر شب مملو است از تاشاچیان واقعی و دوستداران هنر نمایش. و ضنا باید گفته شود که بلیط های فصل «دگر و ههای مشکل» تئاتر برای این قسم از تاشاخانه ها وجود ندارد. حال درباره عیوبی که در این تئاتر ها وجود دارد نیز چند کلمه ای صحبت میکنم.

گاه از اوقات ممکنست اتفاق بیفتد که يك نمایشنامه از نویسنده ای جلب نظر این سازمان را بکنند، در چنین موردی دهمبر تئاتر مسئولیت اخذ تصمیم را دارد که آیا با وجود اعتراضات احتمالی آرا جزو برنامه بگنجاند یا خیر. و از ذکر این نکته باین نتیجه میرسیم که میزان توجه این سازمانها از نظر جلب و شرکت مشتری تا حدی نوع نمایشنامه و بازیگران آنرا تعیین میکند، و

از طرف دیگر چون با مسائل موجود در این تئاترها امکان نمایش ایبرا نیستند. بر این نقطه تئاتر در آن مکان داده می شود. و اما بزرگترین عیبی که در این تاشاخانه ها وجود دارد کمی بودجه آنها میباشد زیرا از طرف دولت بآنها کمکی نمیشود و درآمد خود آنها هم قدم بسیار نا چیزی میباشد. آنها حتی نمیتوانند به سرمرندان خود حقوقهای گراف، مانه تئاترهای دولتی بپردازند و هنریشگان این تئاتر ها از لحاظ مالی وضعیتان بخوبی هفتاداران خود نیست. و همین بدی وضع مالیست که این هنرمرندان نمی میکنند علاوه بر حقوق از زاهای دیگری که امکانات زیادی برای درآمد آنها دارد استفاده نمایند. آنها میتوانند در قلمبها عهده دار غشی شوند و با درو بوله کردن قلمبهای خارجی شرکت نمایند. ضمنا از آنها برای شرکت در برنامه های دار بو و تلویزیون نیز استفاده میشود و گاهی تئاتر های دیگر نیز بآنها برای برای بازی محول میشوند (البته در قسمت اخیر باید با اجازه تئاتر مربوطه در تئاتر دیگر شرکت نمایند).

عیوبی که در بالا ذکر شد غالبا باعث خرابی کار این نوع تئاتر ها میشود و دلیل آنهم این است که در حقیق موارد تاشاچیان بخاطر هنر بیسته مورد نظرشان باین قبیل تئاترها میروند چون برادرین بازیکنان نمی بینند از رفتن مجده به این تئاتر ها خود داری میباشد. و نیز صاحبان «تئاتر در اطاق» مانه سایر-

داشته و از طرفی هنرمرندان نیز عیبی خواسته هنر خود را بمرض نمایش بکنند و نایشات خود را در مسائل و با طبقات نعلانی مانتاشاها بر فراز کرده تقریباً توان تئاتر منزل را با ههای داشت برای بوجود آمدن این نوع از تئاتر ها (البته باید در نظر داشت که همه نوع نایشاتی را نمی شود در چنین محیطانی نشان داد ولی چنانکه قبلا هم گفته شد نمایشنامه های «شکسپیر» بر ارض و در این اماکن نشان میدهند. و در نتیجه بحران جنگ چنانکه ذکر آن در بالا گذشت این نوع تئاتر ها بوجود آمدند و چون بحران نتیجه جنگ تا اندازه ای کم شد تعداد زیادی از این تئاتر ها از بین رفت و مقداری از آنها نیز هما بطور کار خود را از راه دارند و تا با امروز که این تئاترها ترقیات ضعیفی نموده اند. ناچارند کراست که این قسم از تئاترها دارای محصولات و عیوبی نیز میباشد که در زیر با آنها اشاره میشود....

از محصولات عهده بندی که باید برای تئاتر در اطاق ذکر کرد پیش از همه این حسن تجلی میکند که در این تئاتر ها در موارد نمایشنامه های مشکل یا نمایشنامه هایی که مؤلفین آنها چندان شهرت و معروفیتی ندارند آزمایش میشود و بدین ترتیب این آزمایش را در باره امکانات جدید تهیه کار های روی صحنه (لحاظ قتی) نیز انجام می دهند. در تانی تاکنون که بیش از ده سال

صحنه ای خواهد بود که میشود تصور کرد در واقع تمام محل اقدر کوچک است و تاشاچیان اقدر به صحنه نزدیک می نشینند که اشخاص در یف اول میتوانند با درواز کردن پا و با دست مزاحمت برای بازیکنان ایجاد نمایند. حسن این تئاتر ها این است که با چنین صحنه ای تاشاچیان که نزدیک بازیکنان هستند خود مربوط به نایش میشوند و از نظر هنریشگان نیز این تئاترها محصولات زیادی دارد که برای مثال باید ذکر کرد، از آنجا که تاشاچیان خیلی به صحنه نزدیک هستند هنریشگان وقت بیشتری در دستاوردای کلیات نسبت به تئاتر های معمولی مینمایند و گرنه نمایشنامه خوب اجرا نمیشود. در واقع چنین تئاترهائی دارای محیط خودمانی تر و در ضمن دوستانه تر است. از انواع این تاشاخانه ها باید از تئاتر «کنتراکریس» در شهرین نامبرد که معمولاً نمایشهای بسیار سنگین از قبیل «آنچه خوبست که پاپاش خوب باشد» اثر ویلیام شکسپیر را نمایش میدهد.

حال که صحبت از «تئاتر در اطاق» شد بد نیست چند کلمه ای هم راجع بچگونگی تأسیس این نوع تئاترها صحبت شود. بوجود آمدن این تئاترها را باید نتیجه سالیهای بعد از جنگ دانست زیرا موقعیکه جنگ پایان یافت فقط تعداد کمی از تئاتر ها بودند که از عواقب جنگ در امان ماندند ولی چون عامه مردم علاقه باین هنر



صحنه‌ای از نمایشنامه «فوست» در مونیخ

بی نهایت رضایت بخش بوده است. برای اثبات این معنی باید بگویم که نگارنده نتوانست زودتر از شب هفتاد و پنجم نایش آرا مشاهده کند... (از روی این نمایشنامه تا چند ماه دیگر فیلمی با شرکت «آدری هپبورن» و «بکار گردانی» «جرج استیونس» (برنده جایزه اسکار بهترین کارگردان، برای رژیسوری فیلم «غول») تهیه خواهد شد) مترجم

...ومن تصور نمیکنم که هیچ نمایشنامه‌ای در تئاتر آلمان آندره مردم تماشایی راحت تأثیر اقرار داده باشد.

اکنون که در باره دراماتیکسهای آلمان دادیم صحبت میکنیم باید بی‌برده اذعان کرد که در این قسمت چندان وضع خوبی در این کشور مشاهده نمیشود زیرا دراماتیکسهای جدید به تعداد زیادی دیده نمیشوند. اصولاً در این کشور قریب هشت یازده نویسنده جوان - با استعداد دادیم

که هر کدام در باره نمایشنامه برای روی صحنه آوردن نوشته اند ولی این نایش نامه ها چندان توأم با موفقیت نبوده اند و علت عدم استقبال از این نمایشنامه ها این بوده است که استعدادهای جوانان نویسنده این کشور بیشتر صرف رادیو میشود زیرا تشکیلات رادیویی آلمان پایین جوانان هم فرصت بیشتری میدهد تا استعداد های آنها نمودار شوند و هم با پول بیشتری آنها را میتواند بسوی خود جلب نماید و علت دیگری که باید در این مورد برای

این موضوع ذکر کرد آیت که: در تئاترهای بزرگ این نفس را دارا میباشند که از وسیله کردن بیشتر و باین ترتیب امکان قبول نمایشنامه های نویسنده گان جدید توسط استودیوهای رادیوهای مختلفه بیشتر میشود. علت سوم شاید این باشد که خود بیس نویسهای جدید تاکنون ندانند که شاکاری بیروم عرضه دارند که مورد توجه اهالی از تمام طبقات واقع شود. ولی شاید هم جفا باشد که این رکود و رخوت را در این نویسنده گان معلول مواردی سالهای اولیه پس از جنگ دانست. در این صورت نباید صیرو حوصله کرد و با انتظار آیدند بود.

ترجمه: امیر سعید پرومند

آلمان غربی در فصل گذشته بود. در سالهای اخیر در کشور آلمان نمایشنامه های متعددی از نویسندگان بزرگ و مشهور دنیا بر روی صحنه آمد و از بین این نویسندگان باید پیش از همه از «آدولف هوبنر»، «ویلیام فاگنر»، «کارل یانورکا»، «اوپرنو»، «هنس ویلیام»، «گریگور فرای»، «وایکون»، «گرتون»، «ویلیام»، «وایلد» نام برده البته بجز نویسنده گان فوق العاده از نایش نامه نویسان دیگری هم استفاده شده است.

از نگاه نویسنده گان جدید و نمایشهای مشکلی چنانکه قبلاً هم مذکور افتادیم و در تئاترهای کوچک و بزرگ و بیرون کشور در صحنه تئاترهای بزرگ از آنها استفاده میشود.

در مورد بزرگترین موفقیت نمایشنامه ها در تئاترهای آلمان غربی بدون شک باید نام نمایشنامه «دفتر یادبود آن فرانک» را ذکر کرد. این بیس از دفتر خاطرات یک دختر کلیسی در زمان تسلط نازیها بر کشور هلند اقتباس گردیده و مطمئن شرح حال دختر جوانی است که در آن ایام او و نامیش در «آستردام» پنهان شده بودند و با مشقاتی که متحمل گردیده بودند از جنگ نازیها فرار اختیار کنند. این نمایشنامه یک اثر دراماتیک و فوق العاده مهیج بوده و استقبال مردم از آن نیز

حالا که تقریباً توانستیم شما را با تئاترهای آلمان آشنا سازیم چاره دارد که قبل از شناساندن این بحث تراجم بدو موضوع اساسی دیگری که در تئاتر آلمان غربی مؤثر است صحبتی بنماییم. این دو موضوع اساسی عبارتند از: ۱- در برنامه های تئاترهای آلمان غربی چه نمایشانی روی صحنه آورده میشود؟

۲- تراجم به سل جدید نمایشنامه نویسی چه مصیبتی گرفته میشود. ۱- تراجم نمایشانی که در برنامه های تئاتر آلمان غربی روی صحنه آورده میشود نمیتوان بطور جامع سخن گفت زیرا غیر ممکن است که نام کلیه نمایشنامه ها را بر اهلایر که در فلسبورگ و مونیخ، آخن و برلین و با در منطقه «دور» و با در سوایا که اکنون دارند نمایش میدهند شرح و وضاحت فکر میکنم احتیاجی به تذکر در این مورد نباشد که بعضی از نمایشنامه های کلاسیک سالها چندین بار بر روی صحنه آورده میشود و ما نیز از آنها سخن برانیم ولی مطلقاً باید گفت که نمایشات تئاترهای آلمان غربی تا اندازه ای جنبه بین المللی دارد و هر تئاتری در این راه بنحوی از انحاء باین فکر میکند که چنانچه تا اطلاع بر نمایشات کلاسیک نمایشنامه های جدید را نیز روی صحنه بیاوردند... این روش کاملاً جا و مناسب میباشد و در حقیقت باید گفت هر گاه نمایشنامه جدیدی در یک قسمت از دنیا با موفقیت اجرا شود میتوان مطمئن بود که نمایشنامه مزبور در اقل جزو برنامه بکنی از تئاترهای